

جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی

عزیزالله اسماعیلی

اسلامی بودن انقلاب مقدس ایران ایجاب می کند که در نظام تعلیم و تربیت توجه به اهداف تربیتی، فراتر از برنامه ها و مقاصد آموزشی محض و به عنوان یک اصل بنیادی مد نظر قرار گیرد. تعلیم اسلام مشحون از توصیه ها و برنامه هایی به منظور ساختن شخصیت والا و متعالی انسانهاست و این امر باید در تمامی عناصر نظام تعلیم و تربیت ذریک جامعه مبتنی بر احکام اسلام جاری باشد.

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به نظام آموزشی به ارث رسیده از حکومت شاهنشاهی، تکوین و رشد نهاد آموزشی در کنار تغییرات و اصلاحات دیگری از قبیل تغییر محتوای کتب و برنامه های درسی، با کسازای عناصر نامطلوب در بین دست اندرکاران گذشته آموزش و پرورش کشور و دیگر اقدامات با هدف تقدم بخشیدن اصل تزکیه بر تعلیم صورت پذیرفت. از همان ابتدا تلاشهای مجدانه و خالصانه ای به منظور تحقق موضوع تقدم تزکیه بر تعلیم صورت گرفت، لیکن ثمره کار آن طور که شایسته عظمت و اهمیت انقلاب اسلامی باشد، اقتناع کننده نبوده است. در

راه تحقق بخشیدن به آرمانهای تربیتی والای انقلاب، موانع و معضلات عدیده ای وجود داشته و دارد که بدون شک هریک از هربیان و معلمان بر حسب سوابق تجربی و وسعت دید و مطالعات خویش در امر تعلیم و تربیت، می توانند فهرستی از آنها را ارائه دهند. برخی از مهمترین این معضلات عبارتند از:

الف - عدم تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش - ساختار امروزی آموزش و پرورش کشور عمده تاً همان است که قبل از انقلاب بوده است، بخشی از این استمرار را می توان ناشی از ضرورتها و واقعیاتی دانست که زاییده پیشرفتهای علمی بشر است. تعلیم و تربیت عمومی و به تبع آن ضرورت طبقه بندی متعلمین بر حسب شرایط سنی، جنسی و عوامل دیگر جهت ارائه خدمات آموزشی و تربیتی، لزوم آموزش نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه و حرفه آموزی از طریق برنامه های مدارس بخشی از این ضرورتها هستند. لیکن وقتی این اصل را بپذیریم که در نظام اسلامی باید به تقدم تربیت بر تعلیم توجه داشته باشیم و این توجه بایستی در اهداف، برنامه ها و روشها و کلیه

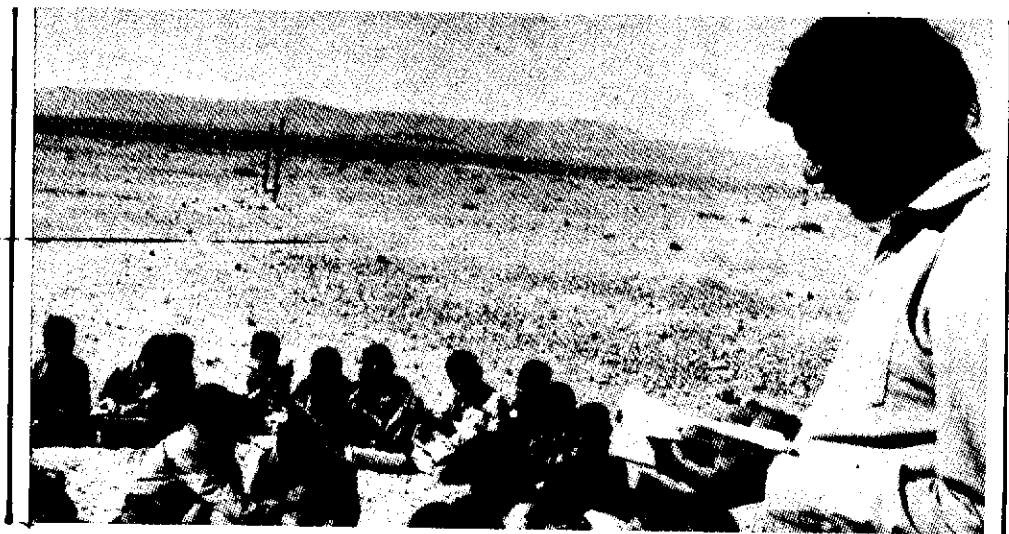
عناصر تعلیم و تربیت متجلی باشد، ملاحظه خواهد شد آنچه انجام گرفته به هیچ وجه حق مطلب را ادا نکرده و جهت نیل به این اهداف ضروری است که:

اولاً نیروی انسانی تربیت شده دارای نگرش مذکور باشد.

ثانیاً چارچوب و محتوای برنامه های درسی با توجه به جهت گیری تربیتی مطلوب در اهداف تدوین گردد.

ثالثاً مدرسه به عنوان یک سیستم اجتماعی به گونه ای سازمان یابد و هدایت شود که به جز برنامه های عمدی و آگاهانه تعلیم و تربیت، موقعیتهای پیش بینی شده رفتاری در آن نیز دانش آموزان را به سمت ارزشهای تربیتی اسلام سوق دهد.

بدیهی است تاکنون اقدامات زیادی درباره هریک از محورهای ذکر شده انجام گرفته، لیکن این اقدامات از یک طرف تا رسیدن به حد کفایت راه بسیار دارد و از طرف دیگر تا آنجا که معلوم آگاهان به مسائل آموزش و پرورش کشور است، در قالب یک حرکت نظامدار و اصولی نبوده است. در چنین وضعیتی انتظار این که



فعالیت‌های امورتربیتی، طفیلی برنامه‌های آموزشی تلقی شود، چندان دور از انتظار نیست. به جز چند سال اول پیروزی انقلاب که امور تربیتی و مربیان به علت غلبه بارز فضای ارزشهای سیاسی انقلاب، مورد قبول و حتی اقبال معلمین، خانواده‌ها و دانش‌آموزان بودند. به مرور که به سالهای اخیر نزدیک شده‌ایم، کاهش توجه و حتی بی‌مهری نسبت به برنامه‌های تربیتی را افزون‌تر می‌یابیم. به ویژه این روزها که جو رقابت‌های آموزشی، پیشرفتهای درسی و سبقت‌جویی در ورود به مراکز آموزش عالی و تصرف جایگاه‌های علمی بالا از قبیل دستیابی به مقام شاگرد اول، رشته تحصیلی خوب و... در برخی از قشرها بالا گرفته، پرداختن به برنامه‌های تربیتی، به ویژه آنجا که عنوان «فوق برنامه» به آن داده می‌شود، نوعی دور ماندن از راه رقابت جلوه می‌نماید و بدیهی است در این فضا دم زدن بیش از حد از امورتربیتی ناخوشایند یا غیر قابل قبول می‌نماید.

ب- ضعف روشها و تکنیکهای پرورشی - اهداف تربیتی و حتی بخش قابل توجهی از اهداف آموزشی نیازمند به کارگیری

روشهایی است که منجر به تغییر و اصلاح نگرش‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان گردد. در حال حاضر این ضعف در نظام آموزش و پرورش به وضوح مشاهده می‌شود که از روشهای محدود و کهنه آموزشی از قبیل سخنرانی و ارائه یک طرفه مطالب از معلم به دانش‌آموز و حالات انفعالی شاگردان استفاده می‌گردد. در برنامه‌های تربیتی که قسمت عمده تغییر و اصلاح رفتار دانش‌آموزان از خلال آنها قابل تحقق است، شاید بتوان گفت روشها و تکنیکهای مدون و سازمان یافته‌ای به کار گرفته نمی‌شود. نتیجه این وضعیت آن است که شاگرد وقتی از نظام مدرسه خارج می‌شود، نه در حد مطلوب تعالیم درسی را دریافت کرده و نه جهت معینی از نظر تربیتی و شخصیتی به او نمایانده شده است. بسیاری از تغییرات رفتاری و شخصیتی نیز حاصل عمل نهادهایی غیر از مدرسه از قبیل خانواده، مساجد و دیگر نهادهای فرهنگی و اجتماعی است.

ج - تنگناهای مالی و اداری - یکی از مشکلات عمده امورتربیتی همواره موانع و تنگناهای سازمانی و ندادارکاتی بوده است.

تعداد اندک مربیان و نیروی انسانی تربیتی نسبت به دانش‌آموزان و وظایف متعدد و سنگین پرورشی، مشاوره و روانشناسی از یک طرف و کمبود امکانات، بودجه، فضای مناسب پرورشی، وسائل و ابزار اولیه برای کارهای تربیتی از طرف دیگر، همواره مسئولان امورتربیتی را تحت فشار قرار داده و قدرت تصمیم‌گیری و ابتکار عمل آزادانه را از آنان سلب کرده است. البته در دو-سه سال اخیر جهت رفع این موانع، گامهای مؤثری برداشته شده، لیکن در این جهت توجهات و اقدامات بیشتری مورد نیاز می‌باشد.

با توجه به نکات مذکور، پیرامون سپردن جایگاه مناسب برای فعالیتهای پرورشی در نظام آموزش و پرورش مستلزم تدابیر و اقدامات چندی است که برخی از عمده‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- تبیین و تحکیم جایگاه فعالیتهای تربیتی در بین اهداف، برنامه‌ها و محتوای فعالیتهای مدارس
- ۲- ایجاد حساسیت و نگرش مثبت در بدنه آموزش و پرورش نسبت به مقاصد

اهداف، روشها و برنامه‌های پرورشی و تقدم

آنها بر امور آموزشی محض

۳- تحقیق و جستجو برای یافتن روشهای مؤثر و مفید تربیتی و اشاعه آنها در متن برنامه‌های مدارس

۴- توجه به ضرورتها و نیازهای مقاطع مختلف تحصیلی از نظر برنامه‌ها و روشهای پرورشی مطلوب و مناسب

در این میان صرف نظر از اهمیتی که هر یک از مقاطع دارا می‌باشند، دوره ابتدایی از اهمیت خاصی برخوردار است. ورود در بحث راجع به علل این اهمیت ضرورتی ندارد و برهمگان روشن است لیکن اشاره به برخی از دلایل اتخاذ تصمیم جهت برگزایی یک گردهمایی به منظور تعیین جایگاه تربیت در این دوره می‌تواند این نکته را روشن کند که چرا بایستی برای تقویت و تحکیم امورتربیتی ابتدایی از یک چنین مجامعی آغاز کنیم. عمده این دلایل عبارتند از:

الف - سردرگمی در وضع فعالیتهای پرورشی این دوره - در حال حاضر در مقطع ابتدایی بیش از مضامع راهنمایی و متوسطه نسبت به چگونگی فعالیتهای تربیتی اہام و عدم اطمینان وجود دارد. در این مقطع به خاطر آمادگی ذهنی کودکان برای یادگیری و درک مفاهیم اولیه علوم، تلاش و رقابت آموزشی بسیار زیاد است. هم والدین کودک و هم اولیاء مدرسه بیشتر نگران آن هستند که کودکان دروس کلاسهای مختلف را نه تنها با موفقیت، بلکه با کسب نمرات عالی طی نکنند و کمتر از آنچه شایسته است به تربیت شخصیت کودکان توجه می‌شود. مسئله دیگر دوره ابتدایی تک معلمی بودن کلاسهای آن است. وجود تنها یک معلم در کلاس شاید نه یک مشکل، بلکه ضرورت و اقتضای این سنین باشد،

*** در حال حاضر این ضعف در نظام آموزش و پرورش به وضوح مشاهده می‌شود که از روشهای محدود و کهنه آموزشی از قبیل سخنرانی و ارائه یک طرفه مطالب از معلم به دانش آموز و حالات انفصالی شاگردان استفاده می‌شود.**

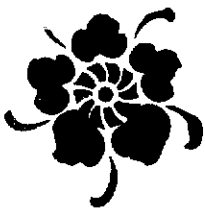
لیکن در چنین صورتی بدیهی است معلم بایستی واجد یک نقش تربیتی قوی در کلاس و مدرسه بوده، به علاوه محتوای برنامه‌ها نیز جهت گیری تربیتی روشن و عمیقی داشته باشد. در حال حاضر از هر دو نظر وضع آموزش و پرورش ابتدایی مطلوب و ارضاء کننده نیست.

ب - عدم امکان یافتن راه حل مناسب براساس شرایط موجود - شاید بتوان گفت حتی در صورت عدم تغییر در ساختار بنیادی برنامه‌های آموزشی و با تحمل وضعیت فعلی باید برای امور پرورشی مقاطع راهنمایی و متوسطه چاره‌ای اندیشید که تا حدودی دلگرم کننده باشد. مثلاً وجود ساعات پرورشی در کلاسهای راهنمایی ظرف دو سال گذشته تا اندازه‌ای به فعالیتهای برنامه‌های این مقطع انسجام و قوام بخشیده است. در صورت عنایت بیشتر مسئولین آموزش و پرورش، برای مقطع متوسطه نیز می‌توان چنین اقدامی را انجام داد. لیکن با توجه به آنچه در بند الف گفته شد، برنامه‌های مقطع ابتدایی مناسب اتخاذ چنین راه حلی نیستند و برای بیرون آوردن این

مقطع از وضعیت ناخوشایند فعلی، بحث‌ها و تبادل نظرهای اصولی و جدی لازم است.

ج - رویکرد علمی - تجربی نسبت به برنامه‌های تربیتی - امورتربیتی علی‌رغم تلاشها و کوششهای بسیار، به برنامه‌های تربیتی، کمتر از یک زاویه علمی و تجربی نگریسته است. شکل گیری یک دفتر ستادی با عنوان «تحقیقات و آموزش» از سال ۶۴ و سپس «مشاوره و تحقیق» از سال ۶۸ در تشکیلات معاونت پرورشی، امکان چنین اقدامی را به وجود آورده و در حال حاضر مقطع ابتدایی نیازمند بیشترین عنایت جهت بهره‌گیری از چنین دیدگاهی در مسائل تربیتی است و هم با توجه به معضلات

عذیده‌ای که اجرای برنامه‌ها در وضعیت فعلی با آنها روبرو است و هم از جهت رشد و اشاعه دیدگاه تجربی و بهره‌گیری از واقعیات موجود مدارس، روحیات دانش‌آموزان و شرایط فرهنگی - اجتماعی برای نیل به یک نظام تربیتی مطلوب و متناسب با ارزشها و دستورات اسلام، سمپوزیوم «جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی» گامی است در این راستا که تنها به عنوان اولین قدم باید تلقی شود؛ و ضمن آن که گامهای بعدی را می‌طلبد، دستاوردهای آن باید مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش و امورتربیتی قرار گیرد.



آنان پنهان دارد و آنان را افرادی جزئی و دگم و فاقد قدرت استنباط و اجتهاد و خطر کردن، باریاورد. اگر شخصیت افراد براساس چنین تربیتی شکل گیرد تا ابد فاقد قوه خلاقیت و ابتکار و ابداع و تسخیر افق‌های نو در زمینه علم و فضیلت خواهند بود و شکوفایی لازم را نخواهند داشت و تا آخر عمر افرادی مقلد و دنباله‌رو باقی خواهند ماند که گناه آن به گردن معلم است

۱۱ - می‌دانیم هر انسانی برای فعالیت در زمینه خاصی آفریده شده که اگر در موضع خود قرار گیرد، منحصر به فرد خواهد بود و ترقی و تعالی و شکوفایی خواهد داشت اما اگر در غیر موضع خویش قرار گرفت و رشته علمی اش مطابق تمایل درونی و استعدادهایش نبود، هم معذب خواهد بود و هم رشد و ترقی و تعالی نخواهد داشت. انسان وقتی به کاری و عملی مطابق با استعداد و علاقه خویش مشغول است، اولین

نمره اش این است که خستگی نمی‌شناسد و مدام در حال تلاش است و همین خود عامل تکامل و موفقیت چشمگیر خواهد شد.

ممکن است معلمی یک رشته علمی را به کودکی پیشنهاد کند و او را در آن مسیر قرار دهد که مطابق با استعداد حقیقی او نباشد و به این ترتیب تا آخر عمر اسباب عدم رشد و عذاب روحی فردی را فراهم سازد و در واقع سبب گشتن استعدادهای او بشود و برای همیشه از قهرمان شدنش مانع شود. باید یقین داشت که در طول تاریخ ما فقط یک «ابن سینا» با آن بهره هوشی نداشته‌ایم، چه بسا کودکان زیادی با هوش تراز او زاده شده‌اند که فقط بعلت اینکه در جای خود قرار داده نشده بودند و به تعبیر دیگر استعدادهای آنان کشف و پرورش نیافته است، آمده‌اند و رفته‌اند بدون اینکه هیچ رشد و ثمری داشته باشند. این امر به واقع کشتن یک انسان است و

مسلماً کسانی که در این امر قصور نمایند، گرفتار شدیدترین عذاب‌ها خواهند بود.

بی شک ورطه‌ها و خطرگاههای معلمی منحصر به آنچه متذکر شدیم، نیست. این است که سخن نخست را تکرار می‌کنیم که معلمی واقعاً کار خداست، انسان در این وادی مثل ... بنواست، با هزاران دومی که شیطان در مسیرش قرار داده و کسی نمی‌تواند از اینهمه دام به سلامت برهد مگر اینکه از انبیا و معصومین باشد که آنان نیز معلم اند یا اینکه شدیداً تحت عنایت و توجهات خاص خدا هستند.

صد هزاران دام و دانه است ای خدا
ما چومرغان ضعیف بسینوا
دم به دم ما بستۀ دام نویم
هریکی گریزاز و سیمرغی شویم
می‌رهانی هر دمی ما را و باز
سوی دامی می‌رویم ای بی‌نیاز

● جمهوری اسلامی محتاج به تربیت و تزکیه است.

هیجدهم دی ۱۳۵۹

● همه جا توجه به تربیت انبیا داشته باشید.

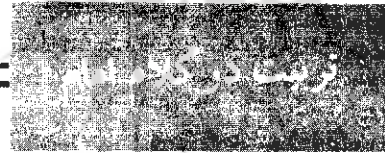
چهارم اسفند ۱۳۵۹

● این تربیت‌هاست که فطرت را شکوفا می‌کنند یا جلوشکوفایی فطرت را می‌گیرند.

دهم بهمن ۱۳۵۹

● همه انحرافها و همه گرفتاریهایی که برای یک کشور پیش می‌آید برای این است که مراکز تعلیم و تعلمشان مراکز تهذیب نیست.

دوم بهمن ۱۳۵۹



● ما باید خط معنویتی را که برای آن انقلاب کردیم، فراموش نکنیم.

بیست و دوم مهر ۱۳۶۰

● اگر یک انسان شما تربیت کنید برای شما بقدری شرافت دارد که من نمی‌توانم بیان کنم.

بیست و یکم خرداد ۱۳۵۸

● انسان اگر خودش منحرف باشد، نمی‌تواند دیگران را مستقیم کند و در این شکی نیست.

دهم تیر ۱۳۵۹

● در اسلام، همه امور مقدمه انسان‌سازی است.

نهم شهریور ۱۳۵۹

